

## کاربرد واژه در "سمفونی مردگان" و "خاطره‌های پراکنده" از منظر زبان و جنسیت

ناصر ناصری<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از مباحث مهم در بررسی زبان توجه به جنسیت و رابطه آن با زبان اثر است. پژوهشگران معتقدند میان زبان و نوشتار نویسنده زن و مرد و همچنین گفتمان شخصیت‌های زنانه و مردانه داستان‌ها تفاوت اساسی وجود دارد. در این مقاله، به بررسی تفاوت‌های زبانی زنان و مردان در حوزه کاربرد واژگان از منظر زبان و جنسیت در رمان سمفونی مردگان اثر عباس معروفی و خاطره‌های پراکنده گلی ترقی پرداخته شده است. متغیرهایی چون: رنگ واژه‌ها، دش واژه‌ها، سوگند واژه‌ها، تصدیق‌گرها، تعدیل‌کننده‌ها، صفات عاطفی و کلام آمرانه در مکالمات شخصیت‌های رمان‌ها با توجه به موازین علمی زبان‌شناسی نقد و بررسی شده است. هر یک از نویسندگان در اکثر موارد، زبانی متناسب با جنسیت قهرمانان خود خلق کرده‌اند، لیکن به دلیل عدم توجه به یافته‌های علمی زبان‌شناسان اجتماعی در خصوص زبان و جنسیت، در مواردی هم موفق به خلق زبانی متناسب با جنسیت قهرمانان خود نشده است.

کلیدواژه‌ها: عباس معروفی، گلی ترقی، سمفونی مردگان، خاطره‌های پراکنده، جنسیت، زبان مردانه و زنانه، نقد فمینیستی.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

## مقدمه

عبّاس معروفی متولد ۲۷ اردیبهشت ۱۳۳۶ سنگسر نویسنده، نمایش‌نامه‌نویس، ناشر و روزنامه‌نگار معاصر ایرانی مقیم آلمان است. او فعالیت ادبی خود را زیر نظر هوشنگ گلشیری آغاز کرد و در دههٔ شصت با چاپ رمان *سمفونی مردگان* در عرصهٔ ادبیات ایران به شهرت رسید. وی نویسندهٔ داستان‌های روان‌شناختی نو است؛ قصه‌ای که در ادبیات جهانی به نام *قصهٔ جریان سیال ذهن* یا *تک گفتاری درونی* خوانده می‌شود. رمان مذکور داستان تقابل دو برادر با عقاید و شخصیت‌هایی کاملاً متفاوت از جمله تقابل علم با جهل، مهربانی با تنفر و عشق با شهوت است.

گلی ترقی در سال ۱۳۱۸ش در تهران متولد شد پدرش روزنامه‌نگار بود و تحصیلاتش را در تهران و امریکا و فرانسه گذراند. مطالعات وی در اساطیر و جامعه‌شناسی و فلسفه، تأثیری در داستان‌هایش گذاشته است. پس از بازگشت به ایران با هنریر داریوش، کارگردان سینما و تئاتر ازدواج کرد و از اوایل دههٔ چهل به داستان‌نویسی روی آورد. عمده هنر وی، وصف حال و کار زنان است زنانی که دل‌مشغولی‌ها، محدودیت‌ها و تقلّاهایشان آشکار است. «در سال ۱۳۷۳ مجموعهٔ داستان *خاطره‌های پراکنده* را منتشر کرد که هفت داستان کوتاه و بخشی از رمان *عادت‌های غریب آقای الف در غربت* را در بر می‌گیرد داستان‌های این مجموعه بیشتر خصلت اتوبیوگرافیک دارد بسیاری معتقدند یادآور روزهای رفته و زندگی آمیخته با حسّ نوستالژیک و خوشبختی توأمان است و یاد و خاطره‌های پراکنده وطن باز می‌گوید» (قاسم‌زاده، ۱۳۸۳: ۳۷۲).

«موضوع زبان و جنسیت از موضوعات مهمی است که در زبان‌شناسی اجتماعی بررسی و بدان توجه می‌شود. اکثر محققان رشته‌های زبان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی زبان و منتقدان فمینیست براین باورند که بین زبان زنان و مردان تفاوت‌های آوایی، واژگانی و نحوی وجود دارد» (رضوانیان و ملک، ۱۳۹۲: ۴۵). «این موضوع پس از انقلاب صنعتی و جنگ جهانی دوم از دههٔ ۶۰ به بعد مورد توجه قرار گرفت و برخی از محققان به وجود تفاوت میان کلام زنان و مردان پی بردند» (کاظمی، ۱۳۸۹: ۱۰۱). زبان‌شناسی جنسیت، دارای ابعاد مختلفی است که آواها، واژگان و جملات را در بر می‌گیرد. کاربرد این نمودها در زبان

مردان و زنان متفاوت است. زنان و مردان هر جامعه عادات، حرکات و رفتارهای اجتماعی خاص خود را دارند. در مورد سبب اصلی تفاوت میان رفتار زبانی مردان و زنان نظرات متفاوتی ابراز شده است. «گروهی تفاوت‌ها را نتیجه برخورد و آمیزش زبان‌های مختلف دانسته‌اند که به سبب برخوردهای نظامی- فرهنگی و... شکل می‌گیرد و یا از نتایج این‌گونه برخوردها بیشتر تأثیر می‌پذیرد» (مدرسی، ۱۳۶۱: ۱۰۸).

واژگان و ساخت واژه از ملموس‌ترین سطوح هر زبان است که همواره محملی برای ظهور فرهنگ و اندیشه اجتماعی است. در پژوهش حاضر، مکالمات قهرمانان در رمان‌ها از حیث زبان و جنسیت در حوزه واژگان شامل متغیرهایی چون: دش‌واژه‌ها، سوگندواژه‌ها، رنگ‌واژه‌ها، تصدیق‌گرها، تعدیل‌کننده‌ها، صفات عاطفی و کلام آمرانه بررسی شده است. در پایان هر مبحث، تعداد هر یک از مشخصه‌ها در رمان‌های مذکور به‌عنوان نتیجه‌گیری با ذکر ارقام در جدول مشخص می‌شود.

### پیشینه تحقیق

بیشتر پژوهش‌هایی که درباره زبان و جنسیت انجام گرفته است، در حوزه گفتار بوده و تحقیقاتی که بر روی متون انجام شده باشد، بسیار کم است. شاید دلیل این امر، این تصور باشد که تفاوت‌های زبانی که بین مردان و زنان وجود دارد، با آن صراحت و آشکاری که در گفتار مشخص می‌شود، در نوشتار مشهود نیست؛ اما این چنین انتظار می‌رود که تفاوت‌های جنسیتی، خود را در آثار فرهنگی، به‌خصوص رمان‌ها - که فرض ما بر این است که در آن‌ها بین جنس نویسنده و زبان داستان ارتباط نزدیکی وجود داشته باشد- نشان می‌دهند؛ به عبارت دیگر نوشتار زنانه با نوشتار مردانه به دلیل تفاوت‌های جنسیتی که بین زنان و مردان وجود دارد، متفاوت است.

لیکاف (George Lakoff) نخستین کسی است که مسئله زبان و جنسیت را با ارائه مقاله- ای به نام زبان و موقعیت زن مطرح کرد، وی معتقد است زبان زنان از زبان مردان پست‌تر است زیرا شامل انگاره‌های ضعف و عدم قطعیت است و بر مطالب بی‌اهمیت و غیرجدی و واکنش‌های عاطفی تأکید دارد.

پیشینه تحقیقات در این مورد به اوایل دهه هفتاد میلادی برمی‌گردد. پژوهشگرانی چون سایپیر، لیکاف، تانن، گوم، هولمز، کامرون، وست - زیمرمن، فرانسیسکو و... به مطالعه در حوزه زبان و جنسیت پرداختند و از پژوهشگران ایرانی می‌توان به مقاله فریبا رفوگران (۱۳۷۷) تحت عنوان "نگاهی به تعریف زن و مرد در لغت‌نامه دهخدا" و کتاب مریم پاک‌نهاد (۱۳۸۱) با عنوان "فراستی و فرودستی در زبان" و پایان‌نامه محمدرضا فارسیان (۱۳۷۸) با عنوان "جنسیت در واژگان در فیلم‌نامه‌ها" و محققان دیگری اشاره کرد که در اینجا به چند مورد از تحقیقات صورت گرفته اشاره می‌شود.

یحیی مدرس (۱۳۶۸) در کتابی تحت عنوان "درآمدی بر جامعه‌شناسان زبان" به تفاوت‌های زبان‌شناختی مردان و زنان و همبستگی جنسی با برخی متغیرهای تلفظی زبان پرداخته است.

معصومه عسگری (۱۳۷۵) در پایان‌نامه‌ای در دانشگاه علامه طباطبایی به سه متغیر تلفظی (جنسیت، تحصیلات، سن و سبک) در رفتار زبانی گویشوران فارسی و همبستگی آن‌ها با عوامل اجتماعی پرداخته است.

محسن جان‌نژاد (۱۳۸۰) رساله دکتری خود را در دانشگاه تهران با عنوان "پژوهش زبان‌شناختی اجتماعی و تفاوت‌های زبانی مردان و زنان ایرانی در تعامل مکالمه‌ای" نگاشته است و نه متغیر با عناوین میزان کلام، نوبت‌گیری و رشته کلام، قطع کلام، نقش حمایتی مکالمه‌ای، عبارات حاشیه‌ای، تصدیق‌گرها، صورت‌های پژوهشی و امری، اصطلاحات زشت و عبارات تحلیفی را مورد بررسی قرار داده است.

ویدا نوشین‌فر (۱۳۷۴) مقاله‌ای با عنوان "زبان، جنسیت و اجتماع" در دانشگاه فردوسی مشهد حدود چهارصد واژه منتخب فارسی را صرف‌نظر از نشان مذکر یا مؤنث مورد تحلیل قرار داده است.

عبدالحسین آق‌قلعه (۱۳۷۸) پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را تحت عنوان "جنسیت و تفاوت واژگان در فارسی معیار" نوشته است و در آن به بررسی واژگان خاص جنسیتی در آثار چند تن از نویسندگان از جمله محمود دولت‌آبادی، سیمین دانشور، صادق چوبک، ابراهیم گلستان، جمال میرصادقی و فریدون دوستار پرداخته است.

بتول علی‌نژاد (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان "مبانی شناختی مقوله جنس در زبان

فارسی" در دانشگاه کرمان به فراجنسیتی بودن زبان فارسی در کاربرد بیشتر واژگان و کنایات پرداخته است. وی معتقد است این ویژگی برای زدودن جنسیت‌گرایی بسیار مهم و کارساز است.

### روش تحقیق

روش تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای و مطالعه رمان‌های موردنظر و تحلیل گفتمان زبان‌های مردانه و زنانه بوده است تا معلوم شود نویسندگان در کاربرد واژه‌ها در کدام متغیرها طبق نظریه‌های زبان‌شناسان، موفق عمل کرده‌اند.

### هدف تحقیق

بررسی و تحلیل زبان‌های مردانه و زنانه در رمان‌های سمفونی مردگان و خاطره‌های پراکنده، با متغیرهایی است که زبان‌شناسان برای زبان استاندارد مشخص کرده‌اند. سؤال تحقیق: نویسندگان موردنظر در متغیرهایشان چه اندازه استاندارد زبان مردانه و زنانه را رعایت کرده‌اند؟

### الف. تحلیل داده‌ها

#### الف.۱. دُش‌واژه‌ها

دُش‌واژه‌ها، واژه‌هایی زشت و خشن هستند که در عرف جامعه، آوردن آن‌ها بر زبان، نشانه بی‌ادبی و بی‌نزاکتی است. هراندازه این واژه‌ها زشت‌تر و دور از ادب باشند به‌طوری‌که نتوان آن‌ها را در میان محافل عمومی و یا حتی خصوصی بیان کرد رکیک و رکیک‌تر محسوب می‌شوند؛ و به‌طور کلی، زبان‌شناسان بر این باورند که مردها میل باطنی بیشتری برای استفاده از دُش‌واژه‌ها دارند و این میل از سنین پایین‌تر در آن‌ها به وجود می‌آید و در مقابل زنان گرایش ذاتی به استفاده از صورت‌های مؤدبانه‌تر و مهذب‌تر دارند این شرایط اجتماعی به مردان اجازه می‌دهد که از "تابوها" (کلماتی که در عرف زبانی آن‌ها را بد می‌دانیم) استفاده کنند. لیکاف می‌گوید خانواده‌ها به دختران یاد داده می‌دهند که مانند خانم‌ها صحبت کنند. بنابراین، گفتار دختران بیشتر به گونه مؤدبانه گرایش دارد

تا گفتار پسران (لیکاف، ۱۹۷۵: ۵۳، ۲۵).

هولمز (۱۹۹۲) و آدامز (۱۹۸۹) اولین دلیل مؤدب بودن گفتار زنان را موقعیت پایین آن‌ها در جامعه می‌دانند. آن‌ها بر این باورند که زنان بیشتر از مردان به موقعیت اجتماعی خود توجه می‌کنند و به آن اهمیت می‌دهند، از این رو مؤدب‌ترند. در واقع، زنان بین کاربرد زبان و شخصیت، رابطه‌ای مثبت قائل‌اند و فکر می‌کنند اگر از زبان معیار استفاده کنند، می‌توانند خود را به طبقات بالای اجتماعی نزدیک‌تر کنند. این نکته به این دلیل اهمیت دارد که در بسیاری از جوامع، زنان یا نقش اجتماعی ندارند یا در مقایسه با مردان از نقش‌های اجتماعی پایین‌تری برخوردارند، بنا بر این سعی دارند تا از زبان معیار به‌منزله ابزاری برای مطرح کردن خود در جامعه بهره‌برداری کنند.

هولمز (۱۹۹۲) دومین دلیل مؤدب بودن زنان در مقایسه با مردان را در این مسئله می‌داند که جامعه از آن‌ها انتظارات بیشتری دارد. زنان الگوی رفتاری صحیح در جامعه هستند. جامعه استعمال واژه‌های زشت و مبتذل را از سوی مردان راحت‌تر از زنان قبول می‌کند. پژوهش و تحلیل در رمان‌های مذکور نشان داد که زنان در مقایسه با مردان از دُش‌واژه‌های کم‌تری استفاده کرده‌اند. جدول شماره ۱ نشان‌دهنده تعداد دُش‌واژه‌ها در رمان‌های مورد بررسی است.

جدول ۱. میزان کاربرد دُش‌واژه‌ها در رمان‌ها.

تعداد دُش‌واژه‌های زنانه	تعداد دُش‌واژه‌های مردانه	جنسیت رمان‌ها
۱۲	۸۲	سمفونی مردگان
۲۴	۸	خاطره‌های پراکنده

جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که در رمان سمفونی مردگان، زنان در مقایسه با مردان از واژه‌های تابوی کم‌تری استفاده کرده‌اند. شخصیت‌های این رمان، افرادی عامی و بی‌سواد و متعلق به طبقات پایین اجتماعی هستند که در یک جامعه سنتی زندگی می‌کنند. معمولاً در جوامعی که سطح فرهنگی پایینی دارند، استفاده از دُش‌واژه‌ها رواج بیش‌تری دارد؛ به همین دلیل کاربرد دُش‌واژه‌ها در مکالمات شخصیت‌های این رمان زیاد است و در خاطره‌های پراکنده هرچند تعداد دُش‌واژه‌های زنانه از مردانه بیشتر است اما با در نظر

گرفتن این نکته که حدود هشتاد درصد گفتار شخصیت‌های این رمان، زنانه است ارتباط معناداری در تعداد دُش‌واژه‌ها حاصل می‌شود که هر دو نویسنده در این متغیر معیارهای استانداردهای زبانی را رعایت کرده‌اند.

مقایسه نتایج این رمان‌ها با یافته‌های زبان‌شناسی نشان می‌دهد، دُش‌واژه‌های رکیک در مکالمات شخصیت‌ها، به درستی به‌کار برده شده‌اند و نویسنده در ایجاد زبان خشن مردانه و زبان مؤدبانه زنانه، موفق بوده است. ضمن این که در سمفونی مردگان با نویسنده مرد نودوچهار دُش‌واژه و در خاطره‌های پراکنده با نویسنده زن سی‌ودو دُش‌واژه به‌کاررفته است.

نمونه‌هایی از دُش‌واژه‌های رمان سمفونی مردگان:

مردکِه (۱۱)، نرّه غول (۲۰)، توله سگ (ص ۳۹)، خنگ (۸۱)، کرّه خر (۱۱۴)، زنکه پتیاره (۳۰۷)، خبیث (۳۲۸)، احمق (۳۲۹)، الاغ (۳۴۵) و...

نمونه‌هایی از دُش‌واژه‌های خاطره‌های پراکنده

الاغ (۳۲، ۵۷)، مرتیکه کنافت (۶۲)، کرّه خر (۸۰)، مرتیکه پیر خرفت (۱۰۳)، پفیوز (۱۰۷)، خُل (۱۱۱)، مرتیکه عرق‌خور (۱۱۷)، بد اخلاق گنده دماغ (۱۲۰)، ...

## الف. ۲. سوگند واژه‌ها

سوگند واژه‌ها عباراتی هستند که گوینده آن را برای تأکید بیشتر، هنگامی که احتمال می‌دهد شنونده با دیده شک و تردید به سخنش می‌نگرد، به کار می‌برد. سوگند واژه‌ها می‌توانند هم شامل سوگند خوردن به مسائل دینی، مانند قسم به خدا، به پیشوایان دینی و امامان و ... و هم شامل سوگند خوردن به چیزهای باارزش زندگی، مانند به جون خودم، به جون بچه‌ها، به جون مادرم و ... باشند.

یافته‌های پژوهش‌های زبان انگلیسی (گوم-۱۹۸۱) نشان می‌دهد کاربرد سوگند واژه‌ها - برخلاف تصور عامه - در بین مردان بیشتر از زنان است. یسپرسن معتقد است در جوامعی که سوگند خوردن معمول است مردها بیشتر از زنان سوگند می‌خورند. هم‌چنین «در زبان فارسی هم یافته‌ها نشان می‌دهد کاربرد سوگند واژه‌ها در مکالمات مردانه بیشتر

است» (جان‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۲۱).

این متغیر در رمان سمفونی مردگان دیده می‌شود اما در خاطره‌های پراکنده بسیار ضعیف است.

جدول ۲. میزان کاربرد سوگندواژه‌ها در رمان‌ها.

جنسیت	مرد	زن
رمان‌ها		
سمفونی مردگان	۱۹	۳
خاطره‌های پراکنده	۱	۶

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، در رمان سمفونی مردگان، مردان با نوزده سوگندواژه نسبت به زنان با سه سوگندواژه، بیشتر قسم خورده‌اند و نویسنده در کاربرد سوگندواژه‌ها معیارهای زبانی را رعایت کرده است ولی نویسنده خاطره‌های پراکنده در این متغیر نتوانسته است معیارهای زبانی را رعایت کند. همچنین مقایسه میزان کل سوگندواژه‌ها در رمان سمفونی مردگان (نویسنده مرد) با بیست و دو مورد و خاطره‌های پراکنده (نویسنده زن) با هفت مورد، نشانگر کثرت سوگند خوری در مردان است.

نمونه‌های سوگندواژه‌ها در سمفونی مردگان: تو را به خدا (۲۱، ۱۴۰، ۲۵۴)، به خدا قسم (۲۵، ۲۹۰)، به جدت (۲۷۲)،...

نمونه‌های سوگندواژه‌ها در خاطره‌های پراکنده: تو را خدا (۳۷)، به خدا (۱۰۱، ۱۳۴)، به قرآن (۱۱۶، ۱۱۹، ۱۳۴) و....

### الف ۳. رنگ واژه‌ها

زبان‌شناسان معتقدند زبان مردانه، جدی و کلی‌نگر و زبان زنانه احساسی و جزئی‌نگر است. در زبان زنانه، توجه به جزئیات و ترکیب کلی آن دقیق‌تر از زبان کلی‌نگر مردانه است. لیکاف رنگ‌واژه‌ها را مهم‌ترین زمینه‌ای می‌داند که جزئی‌نگری زبان زنانه را منعکس می‌کند. او اظهار می‌دارد: «رنگ‌واژه‌هایی که از سوی زنان به کار برده می‌شوند، بسیار دقیق‌تر از رنگ‌واژه‌های مردانه است. به عنوان مثال، رنگ‌واژه‌هایی مانند قهوه‌ای روشن، بنفش کمرنگ، عسلی و گلبهی ... عموماً از سوی زنان مورد استفاده قرار می‌گیرد و به ندرت



پیش می‌آید که به‌وسیلهٔ مردان به‌کاربرده شود» (غفارنمر و دیگران، ۲۰۰۷: ۶۰). بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در متون زن نگاشته، جملات عمدتاً ساده و با حروف ربط به هم اتصال داده می‌شوند و از نظر توصیف جزئیات، بسیار دقیق‌تر از متون مرد نگاشته است. همچنین رنگ‌واژه‌های متون زن نگاشته، تعدد و تنوع بیشتری دارند. خسرونژاد در پژوهش خود که به بررسی و مقایسهٔ ده داستان کوتاه فارسی و انگلیسی پرداخته است، نشان می‌دهد که تعداد و تنوع رنگ‌واژه‌ها در متون زن نگاشته، چه در فارسی و چه در انگلیسی، بیشتر است.

جدول ۳. میزان کاربرد رنگ‌واژه‌ها در رمان‌ها.

جنسیت	مرد	زن
رمان‌ها		
سمفونی مردگان	۱۷	۳۹
خاطره‌های پراکنده	۲	۱۳۰

مقایسهٔ فراوانی کاربرد رنگ‌واژه‌ها در جدول شمارهٔ ۳ نشان می‌دهد، رنگ‌واژه‌های به‌کار برده شده در زبان زنانه، از زبان مردانه، به‌طور چشم‌گیر بیشتر است. هر دو نویسنده در کاربرد رنگ‌واژه‌ها، با نظریات زبان‌شناسان مطابقت دارند، ضمن این‌که تنوع رنگ‌واژه‌ها در داستان‌های خاطره‌های پراکنده به علت زن بودن نویسنده نسبت به رمان سمفونی مردگان برتری و تفوق دارد.

نمونه رنگ‌واژه‌ها در سمفونی مردگان:

از زبان مردان: آبی (۱۵)، سیاه (۳۳، ۴۳، ۲۹۲)، سرخ (۳۴۴)، سبز (۳۴۵) و...

از زبان زنان: صورتی (۲۲۲)، گل‌بهی (۲۵۷)، آبی فیروزه (۲۶۵) و...

نمونه رنگ‌واژه‌ها در خاطرات پراکنده:

از زبان مردان: سفید (۱۸، ۱۷۳)، قرمز (۸۱)، کبود (۱۹۶)، سرخ (۲۲۱) و...

از زبان زنان: اطلسی (۲۷)، سفید مینا (۲۲۴)، نیلی (۷۸)، قهوه‌ای تیره (۴۹) و ...

#### الف. ۴. تعدیل‌کننده‌ها

تعدیل‌کننده‌ها، صورت‌های زبانی هستند که عدم اطمینان گوینده را بیان می‌کنند. برای مثال عباراتی مانند فکر می‌کنم، به نظرم، گمان می‌کنم، همان‌طور که می‌دانید، ممکن است، شاید، احتمالاً و... نمونه‌هایی از تعدیل‌کننده‌ها محسوب می‌شوند. زبان‌شناسان، تعدیل‌کننده‌ها را از کلیشه‌های گفتاری زنان می‌دانند. لیکاف اظهار می‌دارد: «گویشوران زن بیشتر از گویشوران مرد از تعدیل‌کننده‌ها استفاده می‌کنند. او سبب گرایش زنان به استفاده از تعدیل‌کننده‌ها را نحوهٔ خاص اجتماعی شدن آن‌ها می‌داند. او عقیده دارد، زنان در فرایند اجتماعی شدن، یاد می‌گیرند که بیان و اظهار قاطع و با اطمینان، خصیصه شایستهٔ یک زن نیست و قدرت فقط مختص مردان است» (جان‌نژاد، ۱۳۸۰: ۹-۱۰۸). فیشمن نیز، استفادهٔ بیشتر از تعدیل‌گرها را توسط زنان تأیید کرده است؛ ولی معتقد است سبب گرایش زنان به کاربرد تعدیل‌گرها جلب توجه مخاطب است؛ زیرا در مکالمات مختلط، مردان کمترین توجه را نسبت به گفته‌های زنان نشان می‌دهند. گوتس نیز این عقیده را تأیید کرده، می‌گوید: «زنان بیشتر به این دلیل از تعدیل‌گرهایی همانند "شما می‌دانید" استفاده می‌کنند که مردان برخلاف زنان قادر به انجام واکنش و پاسخ مناسب مبنی بر تأیید گفتارهای زنان نیستند» (خسرونژاد، ۲۰۰۷: ۲۰-۱۹).

در زبان فارسی، پژوهشی دربارهٔ کاربرد تعدیل‌کننده‌ها در بین گویشوران زن و مرد انجام نشده است. پژوهش خسرونژاد (۲۰۰۷: ۶۵) که بر روی متون نوشتاری فارسی و انگلیسی انجام شده، نشان می‌دهد، فراوانی کاربرد تعدیل‌گرها در داستان‌های زن نوشته، بسیار بیشتر از داستان‌های مرد نوشته است.

جدول ۴. میزان کاربرد تعدیل‌کننده‌ها در رمان‌ها.

جنسیت	مرد	زن
رمان‌ها		
سمفونی مردگان	۴۵	۳۶
خاطره‌های پراکنده	۱	۱۵۰

مقایسهٔ استفاده از تعدیل‌گرها در رمان سمفونی مردگان نشان می‌دهد، فراوانی استفاده از آن‌ها در مکالمات مردانه بیشتر از مکالمات زنانه است. البته ناگفته نماند که بیشتر

شخصیت‌های این رمان را مردان تشکیل می‌دهند. همچنین یکی از عواملی که سبب بسامد تعدیل‌گرها شده است صحبت‌های خانوادگی قهرمان‌هاست که فرهنگ رعایت احترام و ادب بر آن سایه افکنده است. بر اساس نظرات لیکاف، فیشمن و سایر پژوهشگران زبان-شناسی، کاربرد تعدیل‌گرها در مکالمات شخصیت‌های سمفونی مردگان به درستی به کار نرفته است و نویسندگان نتوانسته است تعدیل‌گرها را متناسب با جنسیت شخصیت‌ها به کار برد؛ اما نویسندگان داستان‌های *خاطره‌های پراکنده*، در این متغیر، معیارهای زبان استاندارد را رعایت کرده است.

نمونه‌های تعدیل‌گر در سمفونی مردگان: نمی‌دانم (۴۵ و ۱۳۱ و ۲۲۷ و ۲۳۷)، به نظر می‌آید (۴۷)، به گمانم (۵۱ و ۶۶ و ۲۱۵)، به نظر من (۱۸۴) احتمال دارد (۱۲۱)، شاید (۱۰۰ و ۲۰۲ و ۲۱۰)، فکر می‌کنم و ...

*خاطره‌های پراکنده*: گمان می‌کنم (۱۱، ۶۸، ۱۰۸)، به نظرم رسید (۴۵، ۱۲۰)، انگار (۲۸، ۳۱، ۷۲)،....

## الف. ۵. تصدیق‌گرها

تصدیق‌گرها (پاسخ‌های کوتاه) به عباراتی گفته می‌شود که نشان‌دهنده توجّه مثبت شنونده نسبت به گوینده است. شنونده در مکالمه نقش فعالی را بازی می‌کند و استفاده از تصدیق‌گرهایی، مثل «آها، بله، درسته، آره، خب و ...» همانند مختصات فرازبانی لبخند زدن یا سر تکان دادن نشانگر دقت و توجّه فعال است» (جان‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۱۰). مطالعات انجام‌شده در زبان انگلیسی (کریستال و دیوی، ۱۹۷۵) نشان می‌دهد که در جامعه زبانی انگلیسی، زنان بیشتر از مردان از تصدیق‌گرها استفاده می‌کنند؛ زیرا آن‌ها مشارکت فعال‌تری در مکالمات دارند و برای تداوم گفتگو بیشتر تلاش می‌کنند. پژوهش‌های زبان فارسی نیز این فرضیه را تأیید می‌کنند؛ چنان‌که طبق یافته‌های جان‌نژاد، زنان در ۷۰/۴ و مردان در ۲۹/۶ درصد موارد، از تصدیق‌گرها استفاده می‌کنند.

جدول ۵. میزان کاربرد تصدیق‌گرها در رمان‌ها.

جنسیت	مرد	زن
رمان‌ها		
سمفونی مردگان	۵۵	۲۱
خاطره‌های پراکنده	۳	۸

بررسی تصدیق‌گرها در رمان سمفونی مردگان نشان می‌دهد میزان استفادهٔ شخصیت‌های مرد در این متغیر، بیشتر از زنان بوده است و نویسنده نتوانسته است زبانی متناسب با شخصیت و جنسیت شخصیت‌ها به کار گیرد. ولی در خاطره‌های پراکنده، کاربرد زبان مطابق با استانداردهای زبان‌شناسی است.

نمونه‌هایی از کاربرد تصدیق‌گرها در سمفونی مردگان: آره (۴۱)، خیلی خوب (۷۰) و ۱۸۱ و ۲۹۸)، آره بابا (۱۰۵)، خوب است (۱۶۷)، راست می‌گویید (۲۱۴) و ...  
خاطره‌های پراکنده: خیلی خوب (۳۷، ۶۸، ۱۲۵)، به روی چشم (۱۰۱)، البته (۱۰۶) و.

## الف. ۶. صفات عاطفی

زبان‌شناسان، سبک گفتاری مردان را عقلانی، منطقی و پیچیده و سبک گفتاری زنان را احساسی و ساده توصیف می‌کنند. آن‌ها بر این عقیده هستند که: «زنان بیشتر از قیدها و صفات عاطفی که بار احساسی بیش‌تری دارند، استفاده می‌کنند و کمتر جملات و ساخت‌های مرکب را در گفتارشان به کار می‌برند» (فارسیان، ۱۹: ۱۳۷۸). «بیسپرسن معتقد است زنان در استفاده از بعضی صفات، مانند خوشگل، زیبا، خوب افراط می‌کنند. لیکاف هم استفاده از صفاتی، مانند شیرین، ملیح، قشنگ و ... را مخصوص زنان می‌داند. ولفسون و مانیس هم در پژوهش خود دریافته‌اند، صفت بزرگ رایج‌ترین صفتی است که به‌وسیلهٔ مردان به‌کاربرده می‌شود و صفت زیبا هم به‌وسیلهٔ مردان و هم زنان استفاده می‌شود» (خسرونژاد، ۲۰۰۷: ۱۸).  
بینتون در نظریه‌اش تصریح می‌کند، از آنجاکه به نظر می‌رسد عملکرد زنان برحسب احساسات و هیجانات به‌جای عقلانیت و منطق است، بیشتر از صفات تخمینی یا سنجشی، مانند شگفت‌انگیز، محبوب، مجلل و قیود تقریبی، مانند احتمالاً، شاید، حدوداً و ... استفاده می‌کنند. (بینتون، ۱۹۸۹: ۷۰-۳)

جدول ۶. میزان کاربرد صفات عاطفی در رمان.

جنسیت	مرد	زن
رمان‌ها		
سمفونی مردگان	۷	۱۴
خاطره‌های پراکنده	۱۰	۳۵

طبق جدول فوق، در هر دو اثر، زنان بیشتر از صفات عاطفی استفاده کرده‌اند که مقایسه آن با نظریات یسپرسن، لیکاف و بینتون نشان می‌دهد صفات عاطفی در این رمان‌ها به درستی به کار برده شده و نویسندگان توانسته‌اند زبانی متناسب با جنسیت شخصیت‌ها ایجاد کنند.

نمونه‌هایی از صفات عاطفی سمفونی مردگان: عزیزم (۲۶۶)، خوشگل (۵۱) و ۱۳۶ و ۲۸۴، زیباتری (۱۴۰)، قشنگی (۲۰۱) و ...  
 خاطره‌های پراکنده: نازنین (۱۹)، خوشگل (۳۳، ۵۳)، نجیب (۱۲۵)، چشم‌های شیرین (۱۴) و ....

#### الف ۷. دستورات و کلام آمرانه

زبان‌شناسان زبان مردانه را قدرتمندانه و آمرانه و زبان زنانه را حمایت‌طلبانه و مشارکت‌گرا توصیف می‌کنند و معتقدند مردان، سلطه‌طلب و در مکالمات به دنبال غلبه بر هم‌صحبت خود و نشان دادن برتری‌شان هستند؛ که خود این امر باعث می‌شود آنان بیشتر از صورت‌های آمرانه بهره گیرند؛ اما گروه‌های زنانه به دنبال مشارکت جمعی هستند و در مکالمات به دنبال برقراری تعامل و ارتباط مثبت با دیگران هستند (خسرونژاد، ۲۰۰۷: ۱۹).

زبان‌شناسان سبب گرایش زنان به صورت‌های بیش‌ازحد مودبانه را قرار داشتن آنان در شرایط نابرابر اجتماعی می‌دانند. «مطابق نظریات زبان‌شناسی پژوهش‌هایی که در زبان فارسی انجام شده، استفاده بیشتر مردان از صورت‌های آمرانه را تأیید کرده است که گویشوران مرد به میزان ۷۷٪ و زنان ۲۳٪ در مکالمات خود از کلام آمرانه استفاده می‌کنند» (جان‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۱۵).

جدول ۷. میزان کاربرد کلام آمرانه در رمان‌ها.

جنسیت	مرد	زن
رمان‌ها		
سمفونی مردگان	۱۵۱	۵۰
خاطره‌های پراکنده	۶	۲۷

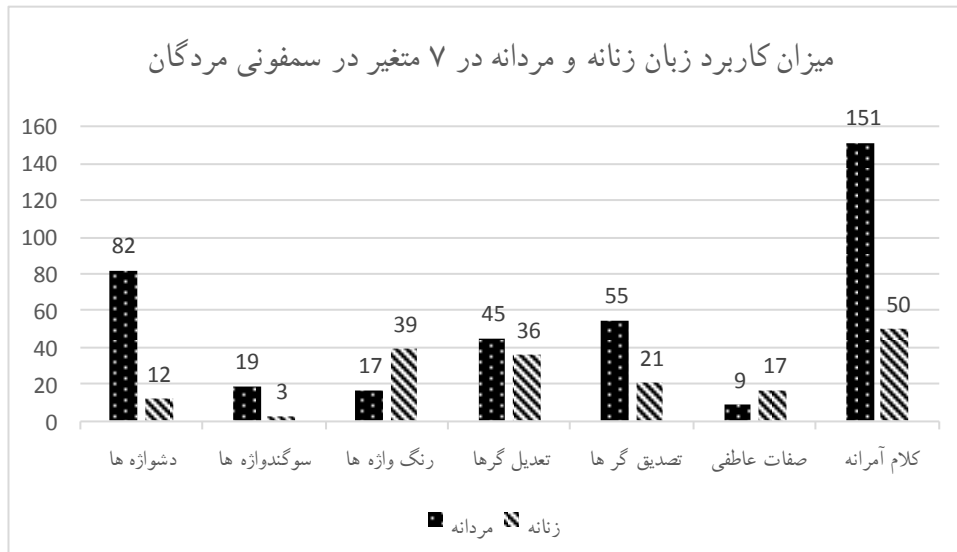
داده‌های مربوط به استفاده از زبان آمرانه در رمان سمفونی مردگان نشان می‌دهد میزان کاربرد کلام آمرانه مردانه با ۷۵٪ و کلام آمرانه زنانه با ۲۵٪ با نظریه‌های زبان‌شناسان در مورد رعایت زبان استاندارد مطابقت دارد اما در رمان خاطره‌های پراکنده صورت‌های آمرانه در زبان مردانه با شش مورد نسبت به زبان زنانه با بیست‌وهفت مورد کمتر است و نویسنده نتوانسته است ارتباط معناداری با نظریه‌های زبان‌شناسی برقرار کند.

### نتیجه‌گیری

تحقیق در زبان جنسیتی در حوزه واژگان در رمان سمفونی مردگان نشان می‌دهد نویسنده در کاربرد واژه‌ها از هفت متغیر مورد مطالعه، توانسته است در پنج متغیر زبانی، شامل (دش‌واژه‌ها، سوگندواژه‌ها، رنگ‌واژه‌ها، صفات عاطفی و کلام آمرانه) مطابق با قوانین علمی زبان‌شناسی و متناسب با جنسیت شخصیت‌ها به کار ببرد. اما کاربرد دو متغیر (تعدیل‌گرها و تصدیق‌گرها) در مکالمات شخصیت‌های این رمان به درستی به کار نرفته است و نویسنده نتوانسته است تعدیل‌گرها و تصدیق‌گرها را مطابق با جنسیت شخصیت‌ها به کار ببرد البته با توجه به این که حدود ۶۰٪ مکالمات در این رمان توسط مردان صورت گرفته است در کاربرد تعدیل‌گرها نیز ارتباط معناداری وجود دارد ولی در تصدیق‌گرها مغایر با قوانین زبان‌شناسی عمل کرده است.

بررسی داستان‌های خاطره‌های پراکنده نشان می‌دهد نویسنده در کاربرد واژه‌ها از هفت متغیر مورد تحقیق توانسته است در چهار متغیر زبانی شامل (رنگ‌واژه‌ها، تعدیل‌کننده‌ها، تصدیق‌گرها و صفات عاطفی) زبانی مطابق با معیارهای استاندارد زبان‌شناسی به کار ببرد ولی در سه متغیر دش‌واژه‌ها، سوگندواژه‌ها و کلام آمرانه در رعایت قوانین علمی زبان‌شناسی موفق نبوده است. البته با در نظر گرفتن این نکته که حدود هشتاد درصد مکالمات

شخصیت‌های خاطره‌های پراکنده زنان هستند کاربرد متغیرهای دُش‌واژه‌ها و کلام آمرانه ارتباط معناداری پیدا می‌کند.



## منابع

۱. برزگر آق‌قلعه، عبدالحسین. (۱۳۷۸). جنسیت و تفاوت واژگان در فارسی معیار به‌کار رفته در ادبیات داستانی معاصر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۲. ترقی، گلی. (۱۳۹۴). خاطره‌های پراکنده، چاپ نهم. تهران: نیلوفر.
۳. جان‌نژاد، محسن. (۱۳۸۰). زبان و جنسیت. پژوهشی زبان‌شناختی اجتماعی تفاوت‌های زبانی میان گویشوران مرد و زن ایرانی در تعامل مکالمه‌ای. رساله، دانشگاه تهران.
۴. رضوانیان، قدسیه و ملک، سروناز. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر جنسیت بر زبان زنان شاعر معاصر. مجله شعرپژوهی (بوستان ادب)، دانشگاه شیراز. سال پنجم. شماره سوم. ۴۵-۷۰.
۵. عسگری، معصومه. (۱۳۷۵). تفاوت‌های تلفظی زنان و مردان در فارسی تهرانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۶. علی‌نژاد، بتول. (۱۳۸۱). مبانی شناختی مقوله جنس در زبان فارسی. نشریه علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه کرمان، ۱۷، صص ۸۱-۱۰۴.
۷. فاریسیان، محمدرضا. (۱۳۷۸). جنسیت در واژگان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۸. کاظمی، فروغ. (۱۳۸۹). زبان زنان. فصلنامه پازند. سال هفتم. شماره بیست و پنجم. ۱۱۵-۱۰۱.
۹. قاسم‌زاده، محمد. (۱۳۸۳). داستان نویسان معاصر ایران، تهران: هیرمند.
۱۰. مدرسی، یحیی. (۱۳۶۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۱. معروفی، عباس. (۱۳۹۴). سمفونی مردگان. چاپ ۱۹، تهران: ققنوس.
۱۲. نوشین‌فر، ویدا. (۱۳۷۴). زبان، جنسیت و اجتماع. به راهنمایی دکتر مهدی مشکوه‌الدینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۳. نوشین‌فر، ویدا. (۱۳۸۱). زبان و جنسیت. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی بیرجند، ۲، صص ۱۸۱-۱۸۸.
۱۴. Ghaffar Samar, Reza & Alibakhshi, Goodarz (۲۰۰۷). The Gender Linked Differences in the Use of Linguistic Strategies in Face-to-face Communication. Linguistics Journal, Volume ۳, Issue ۳, pp. ۵۹-۷۱.
۱۵. Khosronejad, Abdollah (۲۰۰۷). The Role of Gender on Content Analysis of English and Persian Short Stories. Trbiat Moallem University.
۱۶. Lakoff, R. (۱۹۷۳). "Language and Women's place", Language in society.
۱۷. Lakoff, R. (۱۹۷۵). "Language and Women's Place", New York, Harper & Row.